

کنفرانس تدارکاتی سفر خاتمی به آلمان بهم خورد!

کنفرانس سه روزه برلین تحت عنوان «ایران پس از انتخابات پارلمانی، دینامیسم رفرم در جمهوری اسلامی» که بدعوت حزب سبزهای آلمان تدارک دیده شده بود در شهر برلین برگزار شد. در روز دوم کنفرانس، بدلیل اعتراض و مبارزه صدها نفر از آزادیخواهان و مبارزین ضد جمهوری اسلامی، این کنفرانس به تعطیلی کشانده شد. متوقف شدن این کنفرانس پیروزی مهمی برای جنبش تبعیدیان خارج کشور محسوب می شود. در این روز ضمن آنکه بخشی از مبارزین بر علیه جمهوری اسلامی خارج از سالن آکسیون برگزار می کردند، داخل سالن نیز بصحنه تظاهراتی قدرتمند علیه عوامل سرسپرده و رسوای رژیم همچون آخوند اشکوری، جلایی پور، گنجی و دیگر عوامل رژیم که در صف جلوی سالن نشسته بودند تبدیل شد.

بهنگام سخنرانی آخوند اشکوری که سعی می کرد با عوامفریبی خاص ملایان اوضاع ایران را بهبود یافته و در آستانه دمکراسی و استقرار جامعه مدنی قنقدها کند و از اسلام مدرن سخن میگفت، خشم صدها تن از ایرانیان مبارزی که در سالن حضور داشتند به اوج خود رسید. مردم با مشاهده این آخوند که سمبل رژیم جنایت پیشه و ستمگر جمهوری اسلامی می باشد با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی، ملا برو گم شو، مزدور برو گمشو، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اعدام نابود باید گردد؛ آخوند فریبکار را فراری دادند.

گردانندگان کنفرانس با مشاهده خشم عظیم مردم عوامفریبانه کوشیدند تا با اختصاص زمانی محدود برای برخی از نمایندگان معترضین داخل سالن، شیادانه بهرقیمتی کنفرانس را ادامه داده و نمایندگان اپوزیسیون را در کنار مرتجعین جنایتکار و رسوایی همچون جلایی پور که حکم اعدام بیش از ۵۰ نفر را در زمانی که فرمانده نظامی مهاباد بود شخصا امضاء کرده، بنشانند و برای بساط شیادی و رسوایی خویش مشروعیت بخردند و این را بعنوان دمکراسی و اصلاح طلبی جمهوری اسلامی جایزنند اما نیروهای مبارز به سیاست فراموش کنید و عفو کنید، بار دیگر نه گفتند و این خدعه گردانندگان کنفرانس را باطل نمودند.

در این میان جمعی از توده ایها و اکثریتی هایی که بارها و بارها ثابت کرده اند که همدست جنایتکاران جمهوری اسلامی هستند خواهان ادامه کنفرانس و پیشبرد سیاست سازش با مزدوران جمهوری اسلامی بودند که در شکنجه گری و جنایت و سرکوب ید طولانی دارند. آنها وقیحانه همچون اربابان جنایتکارشان معترضینی را که بر علیه جمهوری اسلامی شعار می دادند، چماقدار و بدتر از حزب الله نامیدند. و برای مرتجعین هورا می کشیدند و دست می زدند. آنها موعظه می کردند که نباید خشونت کرد و باید شکنجه گران را بخشید. موضع این جریانها، ضد مبارزات انقلابی توده هاست که خواست سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی را دارند. زمانی که توده ها هر بار در یک نقطه ایران شورش می کنند و نهادهای جمهوری اسلامی را به آتش می کشند، این همدستان جمهوری اسلامی سیاست تسلیم، سازش و درویزی را تبلیغ می کنند. آنها دمکراسی را برای نمایندگان جمهوری اسلامی می خواهند تا هر چه بیشتر بتوانند مردم را سرکوب کنند.

اما ائتلاف امپریالیسم آلمان، جمهوری اسلامی، توده ای - اکثریتی ها و طرفداران لیبرال «دمکراسی» در اثر مبارزه و روحیه عالی مبارزین مجبور به عقب نشینی شد و گردانندگان کنفرانس مجبور شدند ختم کنفرانس را در روز دوم اعلام کرده و در پشت درهای بسته با نمایندگان دولت جمهوری اسلامی تبدیری دیگر بیاندیشند. بدینگونه کنفرانسی که قرار بود رابطه امپریالیسم آلمان با رژیم مرتجع جمهوری اسلامی را گسترش بخشد و با اعلام بهبود وضعیت در ایران به چشم مبارزات رو به اوج ستمدیدگان و زحمتکشان در ایران خاک بپاشد، خود باعث افشای بیشتر گردانندگان و مرتجعین با ماسک دمکراسی رژیم و حامیان امپریالیستش شد.

خبر این پیروزی بسرعت به نقاط مختلف جهان و از جمله به ایران مخابره شد و موجی از خوشحالی را در میان توده های مردم دامن زد. آنها با غرور گفتند، کسانی هستند که فریب چهره نمایی های جمهوری اسلامی را نمیخورند و خواهان سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی هستند.

این پیروزی از جانب دیگر داد و فغان لیبرالها و سازشکاران را نیز باعث شد. بعنوان مثال «راه کارگر» با انتشار اطلاعیه ای با تیتراژ «بر هم زدن نشست برلین را محکوم میکنیم» حرکت آشتی ناپذیر معترضین داخل سالن را «چماقدار» نام نهاده و اعلام کرد که «با هرگونه حرکت خشونت طلبانه» مخالف است. البته روی سخن این جریان صرفا حمله به روحیه مبارزه جویانه و آشتی ناپذیر معترضین این مبارزه نیست. این در واقع توصیه ایست به توده های ستمدیده که در مقابل خشونت و قهر ضد انقلابی مرتجعین از قهر انقلابی پرهیز کنند. این افاضات رفرمیستی در واقع چیزی نیست جز پراکندن توهم و خیالبافی در مورد سرنگونی رژیم از طریق مسالمت آمیز و بازداشتن توده های ستمدیده و زحمتکش از انقلاب و تغییر رادیکال در زندگیشان. خلع سلاح کردن انقلابیون در مقابل جمهوری اسلامی با سیاست «مبارزه بدون خشونت» در واقع از سیاستهایی است که جمهوری اسلامی موافق آن است و زمینه را برای سرکوب و عوامفریبی بیشتر آن باز می کند، این سیاست که جبهه دو خرداد پرچمدار آن میباشد بر روی برخی از نیروهای از لحاظ طبقاتی مترزل، تاثیرات خود را نشان میدهد.

ما دیدیم که چگونه پلیس آلمان و حزب سبزهای آن همراه با عوامل جمهوری اسلامی و توده ای - اکثریتی ها و نیروهای سازشکار مداح سوسیال دمکراسی غربی با بکار بردن «دمکراسی» در روز اول کنفرانس دو نفر از معترضین را مورد حمله قرار دادند و در روز دوم یک نفر را دستگیر کردند و در روز سوم کنفرانس با بازجویی و استفاده از شگردهای اطلاعاتی شناسایی و پخش کارت بین افراد تایید شده، در تعیین شرکت کنندگان در کنفرانس این «دمکراسی» را پیاده کردند. اما علیرغم این سیاستها، نیروهایی که ضد کلیت جمهوری اسلامی هستند به طرق مختلف توانستند که هم در داخل سالن و هم در بیرون از سالن به افشاگری و شعار دادن بر علیه جمهوری اسلامی ادامه دهند و در روز دوم، کنفرانس را متوقف کنند.

این مبارزه متعلق به یک نیروی سیاسی به تنهایی نبود. نیروهایی که ضد کلیت جمهوری اسلامی بودند توانستند در این مبارزه مشترکا با مبارزات توده ها در ایران بر علیه کلیت جمهوری اسلامی هم صدا شده و دستاورد این مبارزه ذخیره ای است برای مبارزات بعدی بخصوص در رابطه با سفر خاتمی که قرار است بزودی به آلمان بیاید.

بایستی از هم اکنون اهداف ارتجاعی امپریالیسم آلمان و جمهوری اسلامی و سیاستهای جامعه مدنی و «دمکراسی» و غیره را افشاء کنیم و خود را برای مبارزات بزرگتری که در راستای دفاع از مبارزات قهرآمیز توده های زحمتکش علیه استعمار، جنایت، فقر و فلاکت جمهوری اسلامی و امپریالیسم است آماده کنیم.

ما باید از هم اکنون مقدمات مبارزه علیه سفر خاتمی به آلمان را با بسیج توده های ایرانی و آلمانی و سایر ملیتها تدارک ببینیم.

رزمنده تر باد مبارزات توده های علیه جمهوری اسلامی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش!

زنده باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) - ۱۰ آوریل ۲۰۰۰